



Feasibility of Changing (Altering) a Vow (Nadhr) in Imami Jurisprudence

Seyed Mahdi Ahmadinik¹ | Ali-Asghar Rajabi Asadabadi²

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran; Lecturer of Advanced Levels, Khorasan Seminary, Mashhad, Iran. Email: ahmadinik@razavi.ac.ir
2. Master's Graduate in Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran; Level Four Student of Khorasan Seminary, Mashhad, Iran. Email: rajaby.1371@gmail.com

Article Info

Article type:

Review Article

Article history:

Received: 28 May 2025

Revised: 11 July 2025

Accepted: 30 September 2025

Available online 6 October 2025

Keywords:

Vow Alteration (Tabdīl al-Nadhr), Principle of Feasibility (Qā'idat al-Maysūr), Imami Jurisprudence (Fiqh al-Imamīyah).



ABSTRACT

The alteration and substitution of a vow (nadhr) is one of the highly disputed topics in Imami jurisprudence, which has long been a subject of debate among eminent jurists, resulting in two fundamental perspectives: permissibility and impermissibility of such change. The present research aims to analyze the permissibility or impermissibility of altering a vow in Imami jurisprudence, along with the relevant evidence, and to indicate the preponderant view in light of the proofs. The practical benefit of this discussion is to clarify the duty of an individual who has restricted their vow to a specific time or place, but is prevented from fulfilling it due to reasons such as the emergence of a more essential need, the existence of more deserving individuals, the difficulty of performing the vow, changed circumstances, or the like. Employing a descriptive-analytical method and utilizing library resources, the authors conclude that, considering the relevant narrations (riwāyāt), the principle of feasibility (qā'idat al-maysūr), the multiplicity of desired objectives, and the principle of conflict (qā'idat al-tazāhum), alteration is possible and permissible in certain cases and under specific conditions.

Cite this article: Ahmadinik, S., M.; Rajabi Asadabadi, A., A. (2024). Feasibility of Changing (Altering) a Vow (Nadhr) in Imami Jurisprudence. *Jurisprudence of worship Doctrines*, 5(8), 123-144. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7060.1220>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.

امکان سنجی تبدیل نذر در فقه امامیه

سید مهدی احمدی نیک^۱ | علی اصغر رجبی اسدآبادی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران؛ استاد درس خارج فقه و اصول، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: ahmadinik@razavi.ac.ir
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران؛ طلبه درس خارج سطح چهار، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: rajaby.1371@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ترویجی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۸ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۷/۱۴ کلیدواژه‌ها: تبدیل نذر، قاعده میسور، فقه امامیه. 	تغییر و تبدیل نذری یکی از مباحث پراختلاف در فقه امامیه است که از دیرباز مورد نقض و ابرام فقه‌های عظام قرار گرفته و دو دیدگاه اساسی جواز و عدم جواز تبدیل و تغییر را یافته است. هدف پژوهش حاضر آن است که جواز و عدم جواز تبدیل نذر در فقه امامیه را به همراه دلایل مربوط واکاوی کند و دیدگاه اقوی را با نظر به ادله نشان دهد. فایده بحث آن است که وظیفه شخصی را که نذرش را محدود به زمان یا مکان خاصی نموده و عللی مانند پیدا شدن مورد ضروری تر، وجود افراد نیازمندتر، دشواری انجام نذر، تغییر شرایط، یا مانند آن، مانع شده است، روشن سازد. نگارندگان با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به این نتیجه رسیده‌اند که با نظر به روایات مربوط، قاعده میسور، تعدد مطلوب و قاعده تزاحم تغییر در مواردی و با شرایطی ممکن و جایز است.

استاد: احمدی نیک، سید مهدی؛ رجبی اسدآبادی، علی اصغر. (۱۴۰۳). امکان سنجی تبدیل نذر در فقه امامیه. *آموزه‌های فقه‌عبادی*، ۵(۸)، ۱۲۳-۱۴۴. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7060.1220>

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی. © نویسندگان.



مقدمه

مفهوم نذر یکی از مفاهیم دینی است به معنای الزام، وعده و یا الزام خود به انجام یا ترک کاری که از نظر شرع انجام یا ترک آن بر انسان لازم نیست (قریشی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۴۱؛ طریحی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۹۱). بنابر گفتار برخی فقها، شرایط عامه تکلیف عبارت‌اند از بلوغ، عقل، قدرت و حیات (نراقی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۳۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۳۴؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۱۵۸). لذا هر فرد زنده، بالغ، عاقل و توانا مکلف به انجام تکالیف شرعی است. بر این اساس، گاهی شخص مکلف با توجه به تعریف ذکرشده، همراه با اختیار و اراده، خود را ملزم به انجام برخی تکالیف می‌کند که در این صورت، ملزم به رعایت آن‌هاست، چنان‌که شخص با اجرای صیغه نذر، البته با شرایطی که در ادامه اشاره خواهد شد، آن را بر خود واجب می‌کند. لازم به یادآوری است که در دین اسلام، نذر یکی از تعهدات دینی است که فرد به عهده می‌گیرد و خود را ملزم به انجام آن می‌داند، اما در مواردی ممکن است نذرکننده بخواهد نذر خود را تغییر بدهد یا تبدیل کند. این موضوع به دلایل مختلفی از جمله عدم امکان عملی شدن نذر، تغییر شرایط زندگی یا تمایل به انجام عمل خیر دیگری رخ می‌دهد. از این رو، بررسی ادله تغییر و تبدیلی نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و توجه به شرایط و نیازهای فرد در دین است و اهمیت خاصی دارد. بررسی این ادله می‌تواند به فهم بهتر از شرایطی که نذر را قابل تغییر می‌کنند و نیز چگونگی انجام این تغییر کمک نماید. در این نوشتار بر آن هستیم که این مسئله را در فقه امامیه بررسی کنیم که اگر شخصی چیزی را به وسیله نذر واجد شرایط بر خود واجب کرد و موقع ادای نذر نتوانست آن را انجام دهد، چه به دلیل عجز و چه به دلیل ضرورت، مانند بیماری کرونا که ادای نذر به دلیل ضرورت، انجامش ممکن نیست، آیا در چنین شرایطی، تغییر و تبدیل نذر امکان دارد یا خیر؟

در این زمینه علی‌رغم جست‌وجو و بررسی نگارندگان، پژوهش مستقلی که به‌طور جامع، تمام زوایای تغییر نذر را بررسی کرده باشد، به دست نیامد و برخی از پژوهش‌هایی هم که به‌طور مختصر به موضوع نذر پرداخته‌اند، اشاره‌ای به

امکان سنجی تغییر و تبدیل نذر ننموده‌اند. از جمله پژوهش‌ها درباره نذر، مقاله «نذر و هویت اجتماعی زنان» نوشته بهار مهری (۱۳۸۳) است که در آن ضمن بیان جایگاه نذر به لحاظ مفهومی و نظری در مردم‌شناسی دینی، به بیان وضعیت آن به عنوان یکی از اعمال و رفتارهای دینی در میان مردم مسلمان ایران پرداخته شده است. اما او در مورد امکان سنجی تغییر و تبدیل نذر بحثی مطرح نکرده است. جنبه نوآوری نوشتار پیش‌رو آن است که نسبتاً به طور جامع به مقوله امکان سنجی تغییر و تبدیل نذر پرداخته و به این نتیجه رسیده است که با نظر به روایات مربوطه، قاعده میسور و مصلحت تغییر در مواردی و با شرایطی ممکن و جایز خواهد بود.

۱. مفهوم‌شناسی

نذر در لغت: برخی از واژه‌نگاران درباره نذر گفته‌اند: «نَذَرَ نَذْرًا: أَوْجَبَ عَلَى نَفْسِهِ مَا لَيْسَ بِوَاجِبٍ؛ نَذَرَ أَنْ أَسْتَبْرَأَ» (نذر آن است که چیز غیر واجب را بر خویش واجب گردانی) یا «النَّذْرُ: أَنْ تُوجِبَ عَلَى نَفْسِكَ مَا لَيْسَ بِوَاجِبٍ لِحُدُوثِ أَمْرٍ».

«انذار» خبری است که در آن تخویف و ترس باشد، همان‌طور که تبشیر خبری است که در آن شادی و سرود است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۷۹۸؛ قرشی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۴۱؛ طریحی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۹۱). برخی دیگر آورده‌اند: وعده دادن به شرطی مانند این که بر من است اگر خدا مریض من را شفا دهد (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۰).

با توجه به تعاریف مختلفی که برای نذر در لغت بیان شد، می‌توان گفت که نذر به عنوان عملی عبادی و تعهدی با ابعاد مختلف اجتماعی و فردی، به معنای تعهد به انجام عملی خاص به خاطر خداوند، تعریف می‌شود و می‌توان گفت به وعده‌ای اشاره دارد که فرد به خداوند می‌دهد تا در صورت برآورده شدن یا رخداد خاصی، عمل خیری انجام دهد یا هدیه‌ای ارائه کند.

نذر در اصطلاح: نذر در نزد فقها عبارت است از این که ملکف بر خودش انجام یا ترک فعلی را که آن را به خدا منتسب می‌کند بر خودش واجب سازد. بنابراین نذر امری اعتباری است که قابل جعل و انشا می‌باشد، لذا نوعی ایقاع است. (مشکینی، ۱۳۹۲، ص ۵۶۷). برخی از فقهای نامدار آورده‌اند: «أَنَّ النَّذْرَ لَا يَنْعَقِدُ حَتَّى يَكُونَ مَعْقُودًا بِشَرْطِ مُتَعَلِّقٍ، كَأَن يَقُولَ: اللَّهُ عَلَيَّ إِنْ قَدِمَ فَلَانَ أَوْ كَانَ كَذَا أَنْ أَصُومَ أَوْ أَتَصَدَّقَ، وَ لَوْ

قال: لله على أن أصوم أو أتصدق من غير شرط يتعلق به لم ينعقد نذره؛ نذر پا نمی‌گیرد مگر آن که مبتنی بر شرطی باشد، مانند این که بگوید: از جانب خداوند بر من است که اگر فلانی از سفر آمد من روزه خواهم گرفت یا صدقه می‌دهم. در غیر این صورت، نذر پا نمی‌گیرد» (سید مرتضی، ۱۴۱۵، ص ۳۶۲). برخی از اندیشه‌وران فقه فرموده‌اند: نذر یعنی خود را به انجام عمل نیکی در برابر شرطی ملتزم کردن، مثل این که بگوید اگر خدا بیمار مرا بهبود بخشید، آن مقدار برای خدا صدقه بدهم (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۳۴).

با توجه به تعاریف ذکر شده می‌توان این تعریف منتخب از نذر را ارائه داد: نذر آن است که انسان ملتزم شود که کار خیری برای خدا به جا آورد یا کاری را که انجام ندادنش بهتر است برای خدا ترک نماید.

۲. شرایط نذر

از دیرباز موضوع شروط نذر همواره مورد توجه فقها بوده است. این موضوع به بررسی ارتباط پیچیده میان تعهدات دینی فرد و شرایط متغیر زندگی او می‌پردازد. قداما و متأخران بر این باورند که هر نذری، در واقع، تعهدی است که نذرکننده به درگاه الهی می‌سپارد. این تعهد، با توجه به شرایط و نیت فرد در زمان نذر، شکل می‌گیرد. اما آیا این تعهدات همواره باید به همان شکل اولیه باقی بماند یا این که امکان تغییر و تحول در آن‌ها وجود دارد؟

پاسخ به این پرسش، مستلزم بررسی دقیق شرایط نذر و همچنین شناخت عمیق از احکام شرعی مرتبط با آن است. به عبارت دیگر، هر گونه تغییر در نذر، باید با رعایت اصول و قواعد مشخصی صورت گیرد تا از یک سو، حق الله ادا شود و از سوی دیگر، به فرد نذرکننده نیز آسیبی نرسد. آگاهی از شرایط و ضوابط تغییر نذر، به فرد کمک می‌کند تا با دقت و آگاهی بیشتری تصمیم‌گیری کند. همچنین این آگاهی به او این اطمینان را می‌دهد که تغییرات ایجاد شده در نذر، از نظر شرعی صحیح و معتبرند. لذا در ابتدا به بیان شروط نذر پرداخته می‌شود تا مشخص گردد که شخص نذرکننده باید چه شرایطی داشته باشد، زیرا اگر این شرایط وجود نداشته باشند، نوبت به مرحله تغییر یا تبدیل نذر نمی‌رسد و در صورت وجود این شرایط، این سؤال

مطرح می شود که آیا امکان تغییر یا تبدیل نذر وجود دارد یا خیر؟

۱-۲. شروط نذر در فقه امامی

نذر عهد و پیمانی است که فرد با خداوند می بندد و در آن متعهد می شود که در صورت برآورده شدن حاجتی یا به نیت تقرب به خداوند، عملی خاص را انجام دهد. این عمل می تواند شامل پرداخت صدقه، انجام عبادات خاص یا ترک اعمال باشد، اما برای این که نذری صحیح و معتبر باشد، باید شرایط خاصی را دارا باشد. این شرایط از نظر شرعی اهمیت زیادی دارند و برای اطمینان از صحت نذر و انجام صحیح آن ضروری اند. از این رو در ذیل شرایط نذر آورده می شود.

۱-۱-۲. صیغه نذر

یکی از شرایط نذر آن است که صیغه نذر به زبان آورده شود، مثلاً بگوید: «إن عافانی الله - مثلاً- فلله علی صدقة أو صوم أو غیرهما» که حسب نیت و اراده شخص می تواند یکی از انواع نذر مطلق یا معلق باشد (حلی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۷۴).

۲-۱-۲. شرایط ناذر

از جمله شرایط نذر شرایط مربوط به نذرکننده است. شرایط ناذر عبارت اند از کمال یعنی شخص بالغ و عاقل باشد، مختار باشد، نسبت به صیغه نذر قصد داشته باشد، مسلمان و آزاد باشد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۵، ص ۳۵۲).

۳-۱-۲. اذن

شرط دیگر آن است که نذر به اذن پدر و شوهر باشد. پس نذر پسر و زن بدون اجازه پدر و شوهر جایز نیست. گاهی اذن یکی از شرایط صحت نذر است و آن بیشتر مربوط به اذن شوهر نسبت به نذر همسرش است. صاحب جواهر در خصوص لزوم اذن شوهر می نویسد: «و کیف کان فیشرط فی نذر المرأة بالتطوعات اذن الزوج وفقاً للمشهور بین الأصحاب سیما المتأخرین» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۵، ص ۳۵۸).

۴-۱-۲. متعلق نذر مقدور باشد

کسی که نذر می نماید و قصد دارد که آن را وفا کند باید نذری نماید که توانایی انجام آن را داشته باشد. بنابراین اگر انجام عملی معین در زمان معینی را نذر نماید، باید

در آن وقت و زمان قدرت بر انجام آن داشته باشد. اما اگر نذر مطلق باشد و مقید به زمان خاصی نباشد، اگر در عمر خود قدرت بر انجام آن را داشته باشد کفایت می نماید (عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۳۳).

مرحوم طبرسی با ذکر مثالی، در این زمینه بیان می دارد که اگر شخص نذر کند که پیاده به حج برود، اما در هنگام ادای نذر، سواره به حج برود، در این حالت دو صورت وجود دارد:

۱. شخص در هنگام وفای به نذر قدرت بر انجام نذر به صورت پیاده دارد، اما سواره نذر خود را انجام می دهد: واجب است نذر خود را اعاده کند و به صورت پیاده انجام دهد.

۲. شخص در هنگام ادای نذر قدرت بر انجام ندارد: در صورتی که نذر خود را به صورت سواره انجام دهد، اعاده واجب نیست و وفای به نذر شده است و تکلیف از شخص برداشته می شود.

اما اگر نذر کرده باشد چنانچه حاجت او برآورده شود، سواره به حج برود و در هنگام وفای به نذر مخالفت کند و به صورت پیاده به حج برود، به نذر خود عمل کرده است و چیزی بر عهده او نیست، زیرا اصل بر برائت ذمه است (طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۰۷).

مرحوم شیخ مفید هم در این باره گفته است: چنانچه شخص نذر کند اگر حاجتش برآورده شود پیاده به سفر حج برود، اما در هنگام ادای نذر خود از وفای به نذر به صورت پیاده عاجز باشد، می تواند نذر خود را به صورت سواره انجام دهد و در این صورت، نیازی به پرداخت کفاره هم نیست. اما اگر عاجز از انجام نذر نباشد، ولی نذرش را سواره به جا بیاورد، این نذر صحیح نیست و باید حج را اعاده کند و به صورت پیاده انجام دهد.^۱

ابن جنید نیز همین عقیده را دارد، زیرا ایشان در مورد شخصی که نذر کرده است که پیاده به حج برود، اگر تمام تلاش خود را برای پیاده رفتن انجام دهد و سپس

۱. «و من نذر أن يحج ماشياً أو يزور كذا ففعل عن المشي فليركب ولا كفارة عليه فإن ركب من غير عجز كان عليه إعادة الحج والزيارة ويمشي ما ركب منه ويركب ما مشى إن شاء الله» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۶۵).

سواره برود یا نذر کند که پابرهنه به حج برود، سپس خسته شود، چیزی بر او نیست، زیرا پیامبر اکرم (ص) به مردی که نذر کرده بود پیاده به حج برود، امر کرد تا سواره برود و فرمود خدا بی نیاز است از این که فردی خودش را معذب کند و به مشقت بیندازد. پیامبر (ص) امر به کفاره نیز نکرد (ابن جنید، ۱۴۱۶، ص ۳۰۵).

همچنین متعلق نذر باید در جهت اطاعت خداوند باشد و مربوط به انجام امر واجب یا مستحبی. بنابراین طبق نذر مشهور، اگر نذر مربوط به امری مرجوح یا مباح باشد صحیح نیست و نذر منعقد نمی شود (حسینی، ۱۴۱۲، ج ۲۳، ص ۲۹۵).

با توجه به آنچه درباره شرایط نذر بیان شد، می توان گفت: نذر به صیغه خاصی نیاز دارد که باید به زبان آورده شود. نذرکننده باید بالغ، عاقل، مختار، با قصد و اراده و مسلمان و آزاد باشد. کودک، دیوانه، افراد تحت اجبار، کسانی که به معنای نذر قصد ندارند، کافر و برده بدون اجازه مولایش نمی توانند نذر کنند. نذر پسر بدون اذن پدر و نذر زن بدون اذن شوهر صحیح نیست. برخی مراجع اذن شوهر را در تمامی شرایط برای صحت نذر زن ضروری می دانند.

رعایت این شرایط صحت و اعتبار نذر را تضمین می کند و انجام آن را از نظر شرعی، معتبر و قابل قبول می سازد.

۳. امکان سنجی تغییر و تبدیل نذر در فقه امامیه

اگر کسی نذر کند و از انجام آن عاجز گردد، در این صورت این مطلب پیش می آید که شخص نذرکننده وظیفه اش چیست؟ آیا می تواند نذر را تغییر دهد یا باید همان مورد را انجام دهد؟ در بحث حج آمده است در صورتی که شخصی نذر کند که پیاده به حج برود، اما از انجام حج به صورت پیاده عاجز شود، وظیفه او چیست؟ فقها در این مورد فرموده اند: نذر چنین شخصی می تواند دو حالت داشته باشد:

۱. انجام مطلق نذر بدون تعیین زمانی خاص: در این حالت باید هر زمان که توانایی انجام نذر یافت و مشکل برطرف شد، نذرش را به جا بیاورد و امکان تغییر و تبدیل نذر وجود ندارد (حلی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۶).

۲. انجام نذر مقید به سال و زمانی معین. در این مورد سه نظر بین فقها وجود

دارد:

الف. از دید علامه حلی، در این حالت، در صورت عجز از انجام نذر، حج به کلی ساقط می‌شود و امکان تغییر آن وجود ندارد (حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۰۹). فخرالمحققین با گزینش این نظر، در توضیح آن بیان می‌دارد: «حج مورد نذر به کلی از عهده وی ساقط می‌شود، زیرا نذر وی با تعیین جزئیات ویژه‌ای برای کلی حج همراه بوده که عبارت است از حج با پای پیاده، و حال که از ایفای متعلق نذر خویش عاجز گشته، مؤظف دانستن وی به انجام آن در حالت مزبور، تکلیف به امر خارج از توان وی است، که استحاله آن روشن است» (حلی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۶).

ب. برخی معتقدند که هرچند وجوب پیاده‌روی از عهده وی ساقط است، اما نفس حج به صورت سواره بر او واجب می‌باشد، زیرا آنچه به واسطه نذر بر وی واجب گردیده، دو امر است: حج و پیاده‌روی و میسور. [از این دو که اصل حج، به هر شکل ممکن است]، با سقوط معسور [پیاده‌روی] ساقط نمی‌گردد. همچنین کفاره نیز واجب نیست، زیرا اصل بر عدم ثبوت آن است، مگر این که با دلیل ویژه، وجوب آن ثابت گردد (کیدری، ۱۴۱۶، ص ۴۸۴).

ج. برخی نیز معتقدند که باید به عنوان کفاره یا فدیة، دو مدّ طعام به فقرا دهد و در صورت عدم تمکن، به هر مقدار که برایش میسر است، اطعام نماید، زیرا میسور به واسطه سقوط معسور، ساقط نمی‌گردد (حلی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۰۸).

۳-۱. اقوال فقها در مورد تغییر و تبدیل نذر

در خصوص امکان تغییر و تبدیل نذر بین فقها اختلاف نذر وجود دارد. برخی معتقدند که امکان تغییر وجود دارد و نیاز به پرداخت کفاره نیست، اما در مقابل برخی قائل به عدم امکان تغییرند و در صورت تغییر باید کفاره نیز پرداخت شود (حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۶۴؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۰۳).

۳-۱-۱. امکان تغییر و تبدیل نذر در صورت عجز بدون نیاز به پرداخت کفاره

مرحوم محقق حلی (ره) ادعای اجماع نموده است که اگر کسی نذر کند که پیاده به حج برود، واجب است در صورت تمکن به نذر خود عمل نماید، اما در صورت عجز باید نذر خود را به صورت سواره وفا کند و در این حالت، وجوب ساقط می‌شود، زیرا تکلیف و عمل به نذر منوط به وسع است و در حالت عجز، وسع از بین می‌رود

(حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۶۴).

مرحوم شیخ مفید (ره) معتقد است در صورت عجز باید نذر تغییر کند و نیاز به پرداخت کفاره نیز نیست. ایشان می‌فرماید: «و من نذر أن يحجّ ماشياً أو يزور كذا فحجّ عن المشى فليركب ولا كفارة» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۶۵). همچنین مرحوم ابن براج (ره) می‌نویسد: «وإذا نذر الحج ماشياً أو زيارة مشهد من المشاهد الشريفة كذلك، ثم عجز عن المشى كان له أن يركب ولا كفارة عليه» (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۱۱).

۳-۲-۱. امکان تغییر و تبدیل نذر به همراه پرداخت کفاره

از دید مرحوم شیخ طوسی (ره)، چنانچه کسی نذر کند که پیاده به حج برود، واجب است که به نذر خود عمل نماید، اما در صورت عجز از وفای به نذر، باید نذر خود را تغییر دهد و به حالت سواره آن را انجام دهد. ولی در این مورد که امکان نذر خود را به صورت پیاده ندارد، علاوه بر این که باید سواره نذر را انجام دهد، واجب است که کفاره نیز بپردازد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۰۳).

مرحوم علامه حلی (ره) در این باره می‌گوید که اگر شخص نذر کند که در سال معینی پیاده به حج برود، اما در هنگام وفای به نذر عاجز از آن شود، باید نذرش را سواره انجام دهد. برخلاف مرحوم شیخ طوسی (ره) که معتقد است پرداخت کفاره واجب است، ایشان پرداخت کفاره را مستحب می‌داند، اما اگر نذر به صورت مطلق باشد، باید صبر کند تا شرایط انجام نذر مهیا شود (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۹۱).

مرحوم علامه (ره) در کتاب تذکره در مورد نذر معین و مطلق بیان می‌دارد: در صورتی که نذر معین باشد، مثلاً نذر کند که در سال معینی به حج برود، در صورتی که قدرت بر انجام آن داشته باشد، اما اهمال بورزد، باید کفاره بدهد و قضای آن را به جا آورد، ولی اگر قدرت بر انجام آن را نداشته باشد، کفاره ندارد، اما باید قضای آن را به جا آورد. علامه می‌نویسد: در صورتی که نذر کند پیاده به حج برود، اما صفت پیاده رفتن از او زایل شود، لکن توانایی بر انجام حج را داشته باشد، باید کفاره بدهد و بعداً قضای آن را به صورت پیاده انجام دهد. اما اگر علاوه بر زایل شدن صفت، قدرت انجام حج را نیز از دست دهد، در این حالت نه قضا دارد و نه کفاره. علامه

در نهایت در مورد کسی که عاجز از پیاده روی است و نذرش را به صورت سواره ادا می نماید، پرداخت کفاره را حمل بر استحباب می کند (حلی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۳۱).

۳-۱-۳. قول به تفصیل در مورد تبدیل نذر

مرحوم فخرالمحققین (ره) در مورد کسی که نذر کند پیاده به حج برود، قائل است که نذر کردن برای انجام حج پیاده، از نظر شرعی صحیح و معتبر است، اما اختلافی که در این زمینه وجود دارد آن است که آیا رعایت قید پیاده رفتن با وجود توانایی لازم است یا خیر؟ مبنای این دو قول بر این است که آیا پیاده روی افضل از سواره است یا سواره بودن افضل است؟ (حلی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۶۶).

گروهی بر این عقیده اند که پیاده روی افضل است، زیرا سیره عملی امام حسن مجتبی (ع)، امام زین العابدین (ع) و امام کاظم (ع)، با وجود این که وسایل سواری مانند شتر و قاطر بوده است، اما بر پیاده رفتن به حج مراقبت می کردند. همچنین به قول پیامبر اسلام (ص) نیز استناد می کنند که فرمود: «پاداش تو به اندازه رنجی است که می کشی». در مقابل این گروه، برخی سواره بودن را افضل می دانند، زیرا پیامبر (ص) حج را به صورت سواره ادا می کرده اند.

فخرالمحققین بعد از بیان این موارد، قول قائلان به تفصیل را بیان می کند و خود نیز این نظر را می پذیرد. ایشان می گوید: در این مورد برخی قائل به تفصیل شده اند به این صورت که اگر فردی توانایی سوار شدن را داشته باشد و پیاده روی مانع انجام واجبات و ضعف او نشود، پیاده روی افضل است. اگر پیاده روی باعث ضعف و ناتوانی فرد در انجام واجبات شود، سواره رفتن افضل است (حلی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۶۶).

از آنچه بیان شد مشخص می شود که قاطبه فقها تبدیل یا تغییر نذر در صورت عجز را اجازه می دهند، اما اختلاف در مورد پرداخت کفاره یا عدم پرداخت آن است که در این زمینه برخی معتقدند که علاوه بر انجام نذر، پرداخت کفاره نیز باید انجام گیرد که برخی آن را واجب و برخی دیگر آن را مستحب می دانند. همچنین در مورد نذر مطلق و مقید نیز بر این نظرند که در نذر مطلق باید صبر نمود تا زمانی که شخص توانایی و تمکن انجام نذر برای او فراهم شود، اما در خصوص نذر مقید باید تبدیل صورت گیرد.

مرحوم امام خمینی (ره) بر این باورند که اگر مثلاً نذر کند پیاده به حج برود و عاجز بشود از پیمودن تمام راه، به طور پیاده مقداری را که می‌تواند باید پیاده و در مقداری که نمی‌تواند سوار بر مرکب بشود، اما احوط آن است که شتری را هم به عنوان کفاره بدهد.^۱ ایشان در صورت عجز، نذر را ساقط دانسته‌اند.^۲

مقام معظم رهبری هم در صورت عجز فرموده‌اند: اگر ناذر از انجام منذور (چه نذر مطلق و چه نذر مقید به زمان) عاجز شود، نذر منحل می‌شود و چیزی بر عهده ناذر نیست، مگر در مورد نذر روزه که در صورت عجز، باید در ازای هر روز، یک مد طعام به فقیر بدهد (<https://farsi.khamenei.ir>).

حضرت آیت الله مکارم شیرازی نیز در استفتای زیر درباره عدم امکان عمل به نذر: «سؤال ۱۳۱. گاه نذرهایی انجام می‌شود که قابل عمل نیست، مثلاً نذر کرده در عاشورا شربت دهد و الآن زمستان است و این امر ممکن نیست. آیا تغییر آن جایز است؟» چنین جواب داده‌اند: «آری، می‌توان آن را مثلاً به شیر گرم و مانند آن تغییر داد» (<https://hadana.ir>).

در صورتی که نذر با صیغه شرعی خوانده شود تغییر جایز نیست (خمینی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۴۱، مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۹۵؛ تبریزی، ج ۱، ص ۳۸۷؛ سبحانی، ص ۱۶۵) و در مواردی قائل به تغییر و تبدیل نذر شده‌اند.

۴. تحلیل و بررسی مستندات

در ذیل روایاتی آورده می‌شود که بیانگر این مطلب است که در صورت عجز از انجام مورد نذر، نذر ساقط نمی‌شود، بلکه با تغییر آن، شخص می‌تواند به نذر خود عمل نماید. همچنین بنابر قواعدی می‌توان با استناد به آن‌ها اقدام به تغییر و تبدیل نذر نمود.

۱. مسئله ۱۸: «لو طرأ لناذر المشى العجز عنه فى بعض الطريق دون بعض فالأحوط لو لم يكن الأقوى أن يمشى مقدار ما يستطيع ويركب فى البعض، والأحوط الأولى سباق بدنة فى نذر الحج، ولو اضطر إلى ركوب السفينة فالأحوط أن يقوم فيها بقدر الإمكان» (خمینی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۲۱).
 ۲. مسألة ۲۴: «لو عجز الناذر عن المنذور فى وقته إن كان مؤقتاً و مطلقاً إن كان مطلقاً انحل نذره و سقط عنه ولا شىء عليه، نعم لو نذر صوماً فعجز عنه تصدق عن كل يوم بمذ من طعام على الأقوى، والأحوط مدان» (خمینی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۲۳).

۴-۱. روایات

۱. علی بن مهزیار گفت: به ابوالحسن (ع) نامه نوشتم مردی نذر کرده همیشه جمعه‌ها را روزه بگیرد، اما یک روز جمعه که در آن عید سعید فطر فرا می‌رسد یا عید قربان یا ایام تشریق یا مسافرت یا مریض شدن در آن، آیا بر اوست روزه گرفتن آن روز یا قضای آن یا چگونه به جا آورد؟ نوشت: خداوند روزه را از او برداشته است در تمام این روزها و یک روز دیگر به جای آن روز روزه بگیرد^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۵۶).

۲. علی بن ابراهیم از پدرش و او از ابن ابی عمیر و او از رفاعه و حفص نقل کرد: از اباعبدالله (ع) درباره مردی پرسیدم که نذر نمود پابرهنه به خانه خدا برود. گفت: «پس پیاده برود. زمانی که خسته شد، سواره برود»^۲ (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۵۰).

۳. ابوعلی اشعری گوید: از امام درباره مردی سؤال کردم که نذر کرد تا پیاده به خانه خداوند برود، پس توانایی ندارد. امام فرمود: حج را سواره به جا بیاورد^۳ (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۰۴).

با توجه به آنچه گفته شد در شرایطی که نذرکننده از انجام مورد نذر عاجز باشد، این سؤال پیش می‌آید که وظیفه او چیست؟ آیا می‌تواند نذر را تغییر دهد یا باید همان مورد را انجام دهد؟ از مباحث گذشته معلوم شد که در صورت مطلق بودن نذر و معین نبودن زمان نذر، باید آن را در وقتی که شرایط مهیا بود انجام داد، اما اگر نذر مقید به زمان خاصی باشد، در این صورت، فقها نظرات مختلف دارند: از دید برخی، نذر به طور کلی ساقط می‌شود. از دید گروهی دیگر، نذر به حال خود باقی می‌ماند و باید آن را تغییر داد، با این تفاوت که برخی معتقدند که باید كفاره نیز پرداخت نمود. اما گروه دیگر قائل‌اند که با تغییر نذر نیازی به پرداخت كفاره نیست. روایاتی نیز در این زمینه وجود دارد که بیانگر آن است که در صورت عجز، نذر ساقط

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ مِثْلُهُ وَكُتِبَ إِلَيْهِ: يَا سَيِّدِي، رَجُلٌ نَذَرَ أَنْ يَصُومَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ دَائِمًا مَا بَقِيَ فَوَاقٍ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ عِيدِ فِطْرِ أَوْ أَضْحَى أَوْ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ أَوْ السَّعْرَ أَوْ مَرَضًا، هَلْ عَلَيْهِ صَوْمٌ ذَلِكَ الْيَوْمَ أَوْ قَضَاؤُهُ أَوْ كَيْفَ يَصْنَعُ يَا سَيِّدِي؟ فَكُتِبَ إِلَيْهِ: قَدْ وَضَعَ اللَّهُ عَنْهُ الصَّيَّامَ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ كُلِّهَا وَ يَصُومُ يَوْمًا بَدَلَ يَوْمٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

۲. «عنه عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ وَ حَفْصِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ نَذَرَ أَنْ يَمْشِيَ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ خَافِيًا قَالَ: "فَلْيَمْشِ فَإِذَا تَعَبَ فَلْيَرْكَبْ"».

۳. عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَخِيهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ عَلَيْهِ مَشْيًا إِلَى بَيْتِ اللَّهِ فَلَمْ يَسْتَطِعْ قَالَ يُحُجُّ زَكَاةً».

نمی شود، بلکه باید با تغییر آن، شخص به نذر خود وفا نماید. این روایات به وضوح نشان می دهند نذری که نتواند به صورت اولیه انجام شود می تواند به شکلی دیگر انجام شود، مانند روزه گرفتن در روز دیگر یا انجام حج به صورت سواره.

۲-۴. قواعد

گاهی به دلایلی مانند ضرورت، ناتوانایی یا شرایط خاص، امکان انجام نذر مقدور نیست. در این شرایط فرد می تواند نذر خود را تغییر دهد یا حتی تبدیل به احسن کند. در ذیل روش هایی که امکان تغییر و تبدیل نذر را اجازه می دهند توضیح می دهیم.

۲-۴-۱. قاعده میسور

قاعده میسور یکی از قواعد مهم فقهی است که در شرایط عدم امکان انجام کامل یک تکلیف، به کار می رود. مضمون این قاعده آن است که هرگاه انجام تکلیف به صورت کامل دشوار یا ناممکن شود، انجام بخشی از آن که برای مکلف مقدور است از عهده او ساقط نمی شود (لنکرانی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۶۴). در میان معاصران، آیت الله مکارم شیرازی، قاعدة المیسور را از قواعد شرعی و عقلایی دانسته و بر حجیت آن به نحو اطلاق صحه گذارده است (مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۵۴۷، ۵۵۴). مرحوم آیت الله علی مشکینی نیز قول به حجیت مطلق قاعده را به مشهور نسبت می دهد (مشکینی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۹). آیت الله جعفر سبحانی نیز جانب حجیت قاعده را گرفته است (سبحانی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۶۴۸، ۶۵۳).

تعذر از انجام تکالیف در سه حالت قابل تصور است:

الف. انجام برخی از اجزای مرکب امکان نداشته باشد، مثلاً به دلیل تنگ بودن وقت، سوره را ترک کند.

ب. تعذر انجام برخی شرایط مرکب شرعی، مانند این که پوشاندن بدن یا مراعات قبله ممکن نباشد.

ج. مواعینی که در حالت اضطرار مجبور به انجام آن می شود، مثلاً در حالت اضطرار مجبور باشد که با لباس نجس نماز بخواند. در ذیل، جهت روشن شدن بحث چند مثال آورده می شود:

نماز: در مواردی که فردی به دلیل بیماری یا شرایط خاص نمی تواند نماز را کامل انجام دهد، باید به میزان توانش آن را انجام دهد، مثلاً نشسته نماز بخواند یا فقط اشاره کند.

حج: اگر کسی نذر کرده است که پیاده به حج برود، اما در انجام این عمل ناتوان باشد، باید به میزان توان خود عمل کند و مثلاً سواره به حج برود (کیدری، ۱۴۱۶، ص ۴۸۴).

با توجه به آنچه گفته شد، قاعده میسور به عنوان یکی از اصول مهم و پرکاربرد در فقه اسلامی شناخته می شود که بر اساس آن، ناتوانی در انجام کامل یک وظیفه نباید باعث ترک کامل آن شود. فقها این قاعده را در بسیاری از موارد شرعی مورد تأیید قرار داده و به کار گرفته اند. این قاعده نشان دهنده انعطاف پذیری فقه اسلامی در مواجهه با شرایط مختلف و توانایی افراد است و تأکید دارد که هر شخص باید به میزان توان خود در انجام وظایف دینی اش بکوشد. لذا با استناد به این قاعده در صورت عجز از انجام نذر، می توان اقدام به تغییر یا تبدیل نمود.

۴-۳. تراحم

تراحم عبارت است از عدم امکان جمع بین دو حکم در مقام امتثال از باب اتفاق. عدم امکان جمع یا به دلیل ناتوانایی مکلف به جمع بین آن دو در مقام عمل است، چنان که غالب موارد تراحم چنین است و یا به دلیل قیام دلیل خارجی بر عدم اراده جمع بین آن دو. در مواردی که نسبت بین دو حکم متراحم، اهمّ و مهم است، عمل به حکم اهمّ بر مکلف متعین می باشد و چنانچه از این حیث با یکدیگر مساوی باشند، حکمی که به لحاظ ظرف امتثال، زمانش جلوتر است، به حکم عقل مقدم خواهد بود، مانند نماز ظهر و عصر که هر دو بر مکلف واجب است، لکن در فرضی که وی تنها بر انجام دادن یکی از آن دو قدرت دارد، نماز ظهر به لحاظ تقدم زمانی بر نماز عصر، مقدم می شود. در غیر این صورت، مکلف به حکم عقل در امتثال هر یک از دو حکم مخیر است (سیحانی، ج ۴، ص ۴۸۲).

اصولیان برای بیان ملاک اهمیت، وجوهی ذکر کرده اند، از جمله:

الف. یکی از دو حکم به لحاظ مدت زمان انجام آن، مضیق و دیگری موسّع

باشد، مانند تراحم امر به نماز در اول وقت با امر به ازاله نجاست از مسجد که وقت اولی وسیع و دومی، ضیق و فوری است (هاشمی، ۱۴۳۲، ج ۲، ص ۴۵۶). در این صورت، در مقام عمل، حکم مضیق بر حکم موسع مقدم می‌شود.

ب. امر یکی معین و امر دیگری مخیر باشد، مانند کسی که نذر کرده برده مؤمنی را آزاد کند و نذرش محقق شده است و به دلیل افطار عمدی روزه ماه رمضان کفاره نیز بر عهده‌اش آمده است، درحالی‌که موجودی وی تنها یک برده مؤمن است. در این صورت، امر معین یعنی وفای به نذر بر امر مخیر یعنی کفاره، مقدم است. از این رو، برده را به دلیل ادای نذر آزاد می‌کند و کفاره را از سایر خصال آن (دو ماه روزه یا اطعام شصت فقیر) می‌پردازد.

ج. یکی از دو حکم، بدل داشته و دیگری بدل نداشته باشد، مانند کسی که برای نماز باید وضو بگیرد یا غسل کند. از سوی دیگر، لباس او نیز نجس است (هاشمی، ۱۴۳۲، ج ۲، ص ۴۵۶)، درحالی‌که آبی که در اختیار دارد تنها کفاف یکی از آن دو (وضو یا غسل و شستن لباس) را می‌دهد. در این صورت، شستن لباس که بدل ندارد مقدم بر غسل یا وضو است که تیمم بدل از آن دو است.

قانون کلی در تقدیم یکی از دو حکم متزاحم بر دیگری، اولویت داشتن آن به لحاظ حفظ و تقدیم نزد شارع است. اولویت نیز یا از ادله فهمیده می‌شود یا از مناسبت حکم و موضوع و یا از راه شناخت ملاک‌های احکام که شارع بیان کرده است، مانند موارد تراحم بین حق الناس و حق الله؛ بین واجب رکنی و غیررکنی در عبادت همچون رکوع و قرائت و نیز بین ایجاد آشتی میان مؤمنان با دروغ گفتن و راست‌گویی منجر به بروز فتنه و فساد که در هر سه مورد، اولی بر دومی مقدم می‌شود.

برخی از فقهای معاصر در بحث حج در تعارض بین وفای به نذر و وجوب حج آورده‌اند که نذر در صورتی که قبل از تحقق استطاعت انجام شده باشد، وفای به آن مقدم است و فرموده‌اند برخی از فقهای معاصر نقل نموده‌اند که مرحوم صاحب جواهر به دلیل اهتمام به اتمام جواهر الکلام و استمرار بر تدوین و اشتغال به تألیف

آن، نذر کرده بود عرفه را در محضر امام حسین (ع) باشد^۱ (سبحانی، بی تا، ج ۴، ص ۴۸۲). اما در تزامم حقوق جمعی و فردی چه باید کرد؟ یا شخصی اموالی را برای مصرفی نذر کرده است. آیا می توان آن را در راه درمان بیماری کرونا مصرف کرد؟ آیا نذر از قواعدی است که بتواند برخی احکام را کنترل یا محدود کند؟ مرحوم نائینی راجع به نذر فرمایش متینی دارند. از دید ایشان، در نذر ما یک دلیل توصلی داریم و در برخی موارد یک دلیل تعبدی. در نذرهایی که توصلی یا تعبدی هماهنگ می شود، بده بستان خاصی می یابد. گویا تعبدیت با توصلیت جابه جا می شود. فرض کنید شخصی می گوید: «لله علی أن أصوم عرفة» یا «لله علی أن أصلي صلاة الليل». او به خاطر کاری متعبد می شود نذر را انجام دهد. مرحوم نائینی می فرماید این جا گویا دلیل توصلی نذر با وجوب تعبدی نماز جابه جا می شود. در نتیجه، این شخص باید بالوجوب این کار را انجام دهد (نک: نائینی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۹).

در سخن ایشان تأملی هست که در اجتماع امر و نهی، آیا یک چیز می تواند دو مطلوبیت داشته باشد؟ اگر منظور ایشان این است که وجوب بالذات که وجوب وفای به نذر است با متعلق به نذر که وجوب بالعرض است یکی می شوند، سخن صحیحی است. به معیار آیه شریفه «وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ» و نذرهای خود را ادا نمایند (حج / ۲۹) که این معیار را در آیات و روایات هم داریم، این دلیل بر آن می شود که وفای به نذر واجب است. وفای به نذر از عنوان متعلقش و از معلقش بیشتر عبور نمی کند. پس معلوم می شود که ما یک نسبت ذاتی داریم و یک نسبت عرضی. در بحث متعلقات نذر نسبت ذاتی و نسبت عرضی جمع می شود.

بنابر آنچه گذشت، در نتیجه گیری و تطبیق بحث نذر بر بیماری باید گفت که اگر کسی نذری کرد و با مراقبت بیماری و اگیردار خاصی مانند کرونا یا غیر آن تزامم داشت و قابل اجتماع نبودند، تکلیف چیست؟ فرض این است که نمی شود در اجتماع عرفه جمع شد یا در محرم نذر کرد. نذر بر بیماری نیز با مراقبت های پزشکی

۱. «قد حكى المشايخ أن صاحب الجواهر لما اشتغل بتأليف الجواهر أحس أن إتمام المشروع رهن صبّ الجهود على التأليف وعدم الاشتغال بشيء آخر سنتين، ولذلك نذر أن يزور الحسين عليه السلام في كل عرفة حذراً من تعلق وجوب الحج» (سبحانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۷۹).

منافات دارد. حال باید چه کرد؟

این جا اولاً باید اهمّ و مهم کرد: حکم اولی مراقبت و حکم ثانوی نذر، با یکدیگر تراحم پیدا می‌کنند. اگر بتوان آن دو را جمع کرد که به نظر ما اکثر مواقع قابل جمع است، باید این کار انجام شود و همراه با مراقبت‌های بهداشتی، نذر نیز انجام گیرد. همچنین اگر نذر کرده است که روز عرفه روزه بگیرد، ولی برایش ضرر دارد، این جا لاضرر مقدم است و حاکم.

نتیجه این که در صورت تراحم، لاضرر حاکم است. در مصرف نذر هم برای کرونا اگر مربوط به تعظیم عزاداری باشد می‌شود مصرف کرد.

بزرگان ما در گذشته این گونه بودند. راه رجحان کارهایی است که نفوس نسبت به آنها رجحانی ندارند. وفای به نذر واجب می‌شود ولی خودش تقرب نیست بلکه توصل است. در وفای به نذر امر دیگری است. وجوب بالعرض می‌یابد و اگر متعلق تعبدی باشد، تعبدی می‌شود. اگر در امر توصلی استحباب و وجوب را نیت نکند اشکالی ندارد.

۴-۴. اجماع

اجماع می‌تواند در مواردی که نذرهای نیاز به تغییر یا تبدیل دارند، نقش مهمی ایفا کند. در صورتی که اجماع بر جواز تغییر و تبدیل نذر وجود داشته باشد، این موضوع می‌تواند تأثیر مستقیمی بر تصمیم فرد بگذارد. مثلاً اگر اجماع بر این باشد که تغییر نذر در شرایط خاصی جایز است، فرد می‌تواند با اطمینان بیشتری اقدام کند. در نهایت، ارتباط اجماع با تغییر و تبدیل نذر به این صورت است که اجماع می‌تواند به عنوان منبعی معتبر در تصمیم‌گیری درباره تغییر نذر عمل کند. حال با توجه به مطلب مذکور، محقق حلی درباره امکان تغییر و تبدیل نذر ادعای اجماع نموده که اگر کسی نذر کند که پیاده به حج برود، واجب است در صورت تمکن، به نذر خود عمل نماید. اما در صورت عجز باید نذر خود را به صورت سواره وفا کند و در این حالت، وجوب ساقط می‌شود، زیرا تکلیف و عمل به نذر منوط به وسع است و در حالت عجز، وسع از بین می‌رود (حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۶۴).

۴-۵. تعدد مطلوب

تعدد مطلوب یعنی مطلوب بودن عمل مقید به قیدی حتی بدون آن قید. تعدد مطلوب در مقابل وحدت مطلوب در جایی است که عملی مقید به قیدی است، لکن آن قید در مطلوبیت نفس عمل دخالت ندارد، هرچند رعایت قید نیز مطلوب است. لذا در فرض عدم امکان رعایت قید، مطلوبیت عمل همچنان به قوت خود باقی است، مانند اقامه هر یک از نمازهای یومیه در وقت خود که علاوه بر مطلوبیت نفس نماز، اقامه آن در وقت، مطلوب است و با فوت وقت، مطلوبیت نماز همچنان باقی است و وجوبش ساقط نمی‌گردد. در نتیجه، قضای آن واجب خواهد بود.

مثال دیگر، اگر روزه روز خاصی به نذر بر مکلف واجب گردد و او به جهت مانعی نتواند آن روز را روزه بگیرد، نذرش باطل و قضای آن ساقط می‌گردد، اما اگر نذر یادشده به نحو تعدد مطلوب باشد، نذر باطل نمی‌شود و باید روز دیگری روزه بگیرد.

مثال دیگر، گاهی فرد توانایی عمل به نذر را در زمان یا مکان خاص ندارد، ولی با تغییر آن به زمان و مکان دیگر می‌تواند عمل کند. در این صورت از قبیل تعدد مطلوب است و در نزدیک‌ترین مورد به موارد نذر، آن را مصرف می‌کند، مانند نذر اطعام روز عاشورا در مسجد خاص، در صورتی که مسجد مزبور را خراب کرده‌اند، باید در مسجد دیگری اطعام کند. (<https://makarem.ir/ahkam/fa/category/index>)

با توجه به مطالب بیان‌شده، تغییر نذر به دلیل تعدد مطلوب ممکن است در شرایطی که قید نذر رعایت نشود یا امکان پذیر نباشد، صورت گیرد. در چنین مواردی، اصل مطلوبیت عمل حفظ می‌شود، هرچند شرایط قیدی نذر تغییر کند. مثلاً اگر کسی نذر کند که پیاده به حج برود، اما به دلیل بیماری نتواند نذر خود را به صورت پیاده انجام دهد، می‌تواند نذرش را سواره انجام دهد، زیرا در این حالت، اصل حج به عنوان نذر باقی می‌ماند و نذر به شکلی قابل اجرا و ممکن تغییر می‌یابد. توانایی تغییر و تبدیل نذر، بر اساس قاعده میسور، مصلحت، تراحم و تعدد مطلوب امکان‌پذیر است. این اصول و قواعد به فرد کمک می‌کنند تا در شرایط مختلف بتواند نذر خود را به نحوی انجام دهد که همواره مطابق با احکام و شریعت باشد. این مباحث به خوبی نشان می‌دهند که فقه اسلامی با توجه به شرایط مختلف،

انعطاف‌پذیری لازم را دارد تا بتواند بهترین راه‌حل را برای مشکلات پیش‌رو ارائه دهد. لازم به یادآوری است که از جمله مواردی که به عنوان مبنای استنباط فقه‌ها نیز می‌تواند مورد استناد قرار گیرد و تسهیل‌کننده جواز تغییر باشد، موردی است که مصلحت اقتضا نماید. مصلحت به معنای صلاح، خیر و صواب و هر آنچه است که باعث خیر و صلاح و نفع و آسایش انسان باشد (طریحی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۱۲۵؛ زبیدی، ۱۳۰۶، ج ۶، ص ۵۴۷). برخی هم آورده‌اند: استصلاح در تعریف اصطلاحی علم اصول آن است که به مصلحت و به استناد آن، حکمی صادر یا به آن عمل شود، و یا جلب منفعت و دفع ضرر و مصالح ضروری عبارت است از مصالحی که مقصود اصلی شریعت حفظ آن می‌باشد (حکیم، ۱۴۱۶، ص ۳۸۱؛ عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۷۲).

بر این اساس می‌توان گفت مصلحت در بحث نذر کاربرد زیادی دارد. برای مثال، شخصی نذر می‌کند که شب اول محرم برای عزاداران امام حسین (ع) در مسجد غذای نذری پخش کند، ولی به دلیل شیوع بیماری کرونا یا بیماری واگیرداری، این امر میسر نیست. در این صورت، طبق مصلحت او می‌تواند به روش دیگر نذرش را ادا کند. لذا اگر انجام کاری که خیلی مهم است برای کسی ممکن نباشد، باید کاری را انجام دهد که به اندازه آن کار مهم نباشد، اما مهم‌ترین کار ممکن در آن شرایط باشد. به عبارت دیگر، وقتی نتوانیم بهترین کار را انجام دهیم باید دومین کار خوب را انجام داد. این به آن معناست که عقل حکم می‌کند وقتی فرد نمی‌تواند آنچه را نذر نموده است انجام دهد، باید بهترین تصمیم ممکن در شرایط موجود و بدیل آن را بگیرد. برای مثال، فردی نذر کرده است که اگر از بیماری خاصی بهبود یابد، گوسفندی قربانی کند، اما پس از بهبود، متوجه می‌شود که به دلیل شرایط اقتصادی سخت، قادر به خرید گوسفند نیست. می‌بینیم که فرد در این شرایط بر سر دوراهی قرار می‌گیرد: مصلحت اهمّ (عمل به نذر و قربانی کردن گوسفند)؛ مصلحت مهمّ (ادای نذر به گونه‌ای دیگر به دلیل شرایط اقتصادی، مثلاً به جای قربانی کردن گوسفند، مبلغی را به فقرا اهدا کند). در این مثال، «مصلحت اهمّ» که عمل به نذر و قربانی کردن گوسفند است، به دلیل تعذر یا عدم امکان انجام این کار، مقدور نیست و فرد باید به دنبال «مصلحت مهمّ» بگردد. در این شرایط، اهدای مبلغی به فقرا به عنوان یک عمل خیر و

جایگزین مناسب برای قربانی کردن گوسفند، می‌تواند مصلحت مهم تلقی شود، چراکه به هدف اصلی نذر نزدیک است، زیرا هر دو عمل (قربانی کردن و کمک به فقرا) با هدف تقرب به خداوند و شکرگزاری انجام می‌شود. به علاوه، اهدای مبلغ به فقرا در شرایط سخت اقتصادی می‌تواند کمک شایانی به افراد نیازمند کند. فرد با انتخاب اهدای مبلغ به فقرا، به اصل «لزوم مراعات مصلحت مهم در صورت تعذر از مراعات مصلحت اهم» عمل کرده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه شده، به این نتیجه می‌رسیم که مفهوم نذر یکی از مفاهیم دینی مهم است که در آیات، روایات و کتب فقهی جایگاه ویژه‌ای دارد. در فقه، نذر به معنای التزام فرد به انجام یا ترک عملی است که از نظر شرع واجب نیست، اما شخص با اراده و اختیار، خود را به انجام آن متعهد می‌کند و باید به طور شرعی به آن عمل نماید. اگر فردی نذر کند و به دلایلی مانند ضرورت یا ناتوانی، نتواند نذر خود را ادا کند، این امکان وجود دارد که نذر خود را تغییر دهد یا به احسن تبدیل کند. در این جا به چند اصل مهم اشاره شد: «قاعده میسور» که بنابر آن، اگر انجام تکلیف به صورت کامل ممکن نباشد، انجام بخشی از آن که ممکن و مقدور است، از عهده مکلف ساقط نمی‌شود. «قاعده تزام» که بر اساس آن، اگر جمع بین دو حکم در مقام اجرا ممکن نباشد، یکی از آن‌ها بر اساس مصلحت مقدم می‌شود و قاعده لاضرر مقدم و حاکم می‌گردد. در حالت «تعدد مطلوب» نیز اگر عملی مقید به قیدی باشد و آن قید در مطلوبیت نفس عمل دخیل نباشد، عمل بدون رعایت قید نیز همچنان مطلوب است، چنان‌که مثال‌هایش در متن گذشت. در بحث نذر، مصلحت به معنای جلب منفعت و دفع ضرر نیز کاربرد فراوانی دارد.

منابع

۱. قرآن کریم. (۱۳۸۷ ش). (ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور). قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۲. ابن‌براج، عبدالعزیز. (۱۴۰۶ ق). المذهب. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن‌جنید، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ ق). مجموعه فتاوی ابن جنید. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۱۷ق). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. تبریزی، جواد. (۱۳۸۵ش). استفتاءات. قم: سرور.
۵. سبحانی، جعفر. (۱۴۲۴ق). الحج فی الشریعة الإسلامية الغراء. قم: امام صادق (ع).
۶. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه. قم: آل البيت (ع).
۷. حلی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ش). إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: اسماعیلیان.
۸. حلی، جعفر بن حسن. (۱۳۷۶ش). المختصر النافع. قم: مطبوعات دینی.
۹. حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ق). المعتبر فی شرح المختصر. قم: سید الشهداء (ع).
۱۰. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. قم: آل البيت (ع).
۱۱. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. خمینی، سید روح الله. (۱۴۰۹ق). تحریر الوسيلة. قم: دار العلم.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیة.
۱۴. راوندی، قطب الدین. (۱۴۰۵ق). فقه القرآن. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۱۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۶ش). تهذیب الأحکام. تهران: نشر صدق.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ش). المبسوط فی فقه الإمامیة. تهران: المكتبة المرتضویة.
۱۷. عاملی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۲ق). الوضحة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۸. عاملی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۱۹. عاملی، محمد بن علی. (۱۴۱۱ق). مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام. بیروت: آل البيت (ع).
۲۰. فیروز آبادی، مجد الدین. (بی تا). القاموس المحيط. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الكتب الإسلامية.
۲۲. کیدری، محمد بن حسین. (۱۴۱۶ق). إصباح الشيعة بمصباح الشریعة. قم: امام صادق (ع).
۲۳. مشکینی، علی. (۱۳۹۲ش). مصطلحات الفقه. قم: دار الحديث.
۲۴. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۲۵. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۲ق). مستند الشيعة فی أحكام الشریعة. قم: آل البيت (ع).
۲۶. نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام. بیروت: دار التراث العربی.
۲۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۳۲ق). موسوعة الفقه الإسلامي المقارن. دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).